

اسناد
ونامه های تاریخی دوره صفوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر خانبا باینر

فهرست اسناد :

- ۱- فرمان شاه عباس بزرگ به آنتونیو شرلی
- ۲- فرمان شاه عباس بزرگ
- ۳- نامه شاه صفی به شارل اول پادشاه انگلیس
- ۴- نامه شاه عباس اول به پادشاه هلند
- ۵- نامه شاه صفی به پادشاه هلند
- ۶- نامه شاه سلیمان صفوی به پادشاه اسپانیا
- ۷- نامه شاه سلیمان صفوی به پادشاه روسیه
- ۸- عکس قسمتی از قرارداد ایران و انگلیس (دو کلیشه)
- ۹- عکس نامه شارل اول پادشاه انگلیس بر شاه صفی بانگلیسی (دو کلیشه)
- ۱۰- عکس نامه پادشاه انگلیس به پادشاه ایران بانگلیسی (دو کلیشه)

یادداشت مجله

اسنادی که متن و عکس آنها را در این شماره مجله بررسی های تاریخی انتشار میدهیم از مدارك معتبر تاریخ ایران در دوره صفوی و بخشی از مجموعه نفیسیست که بکوشش دانشمند عالیقدر آقای دکتر خانبا با بیانی استاد و رئیس گروه تاریخ در دانشگاه تهران ، از روی اصل آنها مضبوط در بایگانی های دولتی لندن و پاریس عکس برداری شده است و ایشان ، آنها را برای استفاده محققان تاریخ ایران ، در اختیار مجله بررسی های تاریخی گذاشتند .

مجموعه نفیس آقای دکتر بیانی شامل ۴۰ سند و

بدین شرح است :

فرمان شاه عباس بزرگ به آنتونیو شرلی

الملك تعالى
بنده شاه ولایت عباس

فرمان همایون شد آنکه امارت پناه نتیجه السلاطین المسيحيه اسوة الولاة الفرنکيه اميرزاده اعظم آنطونیا شرلی بوفور توجهات بیکران شاهانه و تملطفات واصطناعات بی پایان پادشاهانه عز اختصاص و شرف [ما] بداند که حالاً چند سال شد که از خدمت اشرف بیجان فرنگستان رفته اصلاً از جانب او یکمرتبه خبری نرسیده و عرضه [ای] که مبنی بر حقایق حالات آنجای بوده باشد نفرستاده که معلوم شود که چه کار ساخته و در چه کار است. از و بسیار عجیب و بعید نمود که درین ایام کس بدرگاه معلی نفرستاده و شرح حالات آنجای را عرض نکرده. رایات نصرت آیات جاه و جلال حالاً سه سال شد که بیجان دارالسلطنه تبریز نهضت نموده و الکاء آذربایجان بالتمام بتحت تصرف اولیاء دولت روز افزون درآمده از جانب او خبری نرسیده که سلاطین عظام فرنگیه در چه کاراند. برادر او در خدمت اشرف و بدستور منظور انتظار شفقت والتفات نواب همایون ماست. می یابد که برخلاف سابق حقیقت حال خود و سلاطین عظام فرنگیه و ارادات خاطر ایشان را عرض نموده تقصیر ننماید و چنان نماید که نواب همایون مانیز از اوضاع آنجا و قرارداد خاطر سلاطین فرنگیه واقف [-] بنوازشات خسروانه واثق بوده باشد.

تحریراً فی شهر محرم الحرام [-]

۱۱ سند در باره دوره صفوی از اداره اسناد
عمومی انگلستان در لندن که سند آن بزبان انگلیسی
است.

۱۲ سند در باره دوره صفوی از بایگانی راکد
وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس .

۱۷ سند در باره دوره فتحعلیشاه از بایگانی راکد
وزارت امور خارجه فرانسه در پاریس .

مجله بررسی های تاریخی ، با سپاسگزاری از
همکاری گرانقدر معظم له ، دو بخش شماره یکم و دوم اسناد
مزبور را بمنظور استفاده خوانندگان و محققان تاریخ
ایران ، بتدریج بچاپ خواهد رسانید و انتشار بخش
سوم یعنی اسناد مربوط بدوره قاجاریه بسبب آنکه
کلیه این اسناد را یکبار در سال ۱۳۱۵ در کتابی بنام
دیپلماسی ناپلئون در ایران . خود ایشان مستقلاً بچاپ
رسانیده اند ، خودداری میکنیم .

بررسیهای تاریخی

یادداشت مجله

اسنادی که متن و عکس آنها را در این شماره مجله بررسی‌های تاریخی انتشار می‌دهیم از مدارک معتبر تاریخ ایران در دوره صفوی و بخشی از مجموعه نفیسیست که بکوشش دانشمند عالیقدر آقای دکتر خان‌بابایی استاد و رئیس گروه تاریخ در دانشگاه تهران، از روی اصل آنها مضبوط در بایگانی‌های دولتی لندن و پاریس عکس برداری شده است و ایشان، آنها را برای استفاده محققان تاریخ ایران، در اختیار مجله بررسی‌های تاریخی گذاشتند.

مجموعه نفیس آقای دکتر بیانی شامل ۴۰ سند و

بدین شرح است :

فرمان شاه عباس بزرگ

فرمان همایون شد

آنکه امراء بزرگ عالیشان و سرداران رفیعمکان انگلیس بدانند که چون زبده الاقرانی کپستان پاو لافرنکی که از مردم ولایت انگلیس است مدت مدید درین ولایت از اوضاع و احوال اینجانبی و بسیاری لشکر و عسکرها واقف شده و چند سال در سفرها و یساقها که بر سر جماعت ترک میرفته ایم او باتفاق امیرزاده اعظم اکرم سینوردون ربر توشیرلی میرزاده انگلیس همراه بوده از جمیع احوالات واقف است و در اینولا که امیرزاده مذکور را بایلچیگیری بجانب فرنگستان فرستادیم مشارالیه نیز همراه او روانه آن طرف شد آنچه حضرت پادشاه عالیجاه انگلیس از احوالات اینجانبی خواهند و تحقیق نمایند چون او واقف و داناست حقیقت خاطر نشان مینماید از او معلوم نمایند که ما را چه مقدار محبت و دوستی با جماعه فرنگیه است و چگونه کمرستانان^۱ را حرمت و عزت میداریم ایشان نیز در لوازم دوستی جانبین کوشیده نوعی نمایند که همیشه در میانه آمد شد بوده باشد تحریر آقی شهر رمضان المبارک سنه ست عشر و الف ۱۰۱۷

۱ - منظور مسیحیان است .

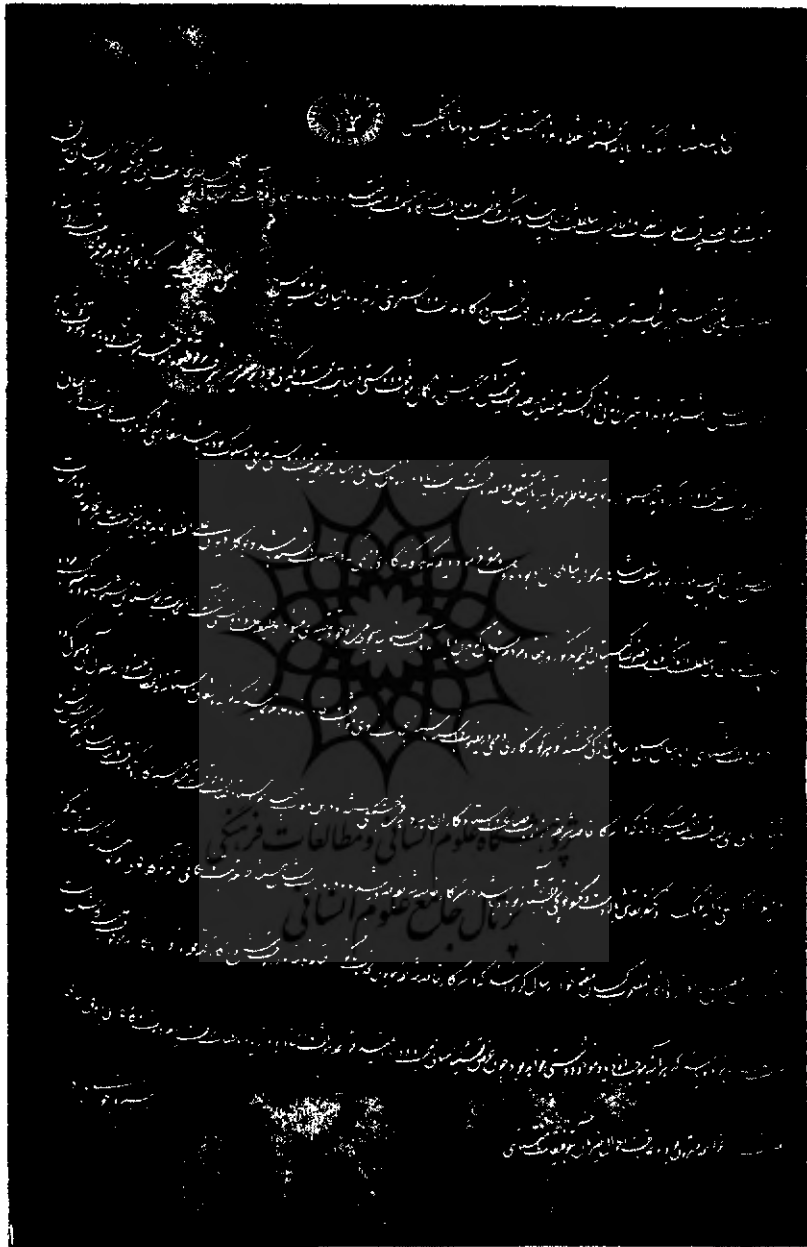


فرمان شاه عباس اول به پاولا
 که امر بزرگت و سران و پادشاهان انگلیس
 کسپان پاولا و فونکی که از مردم لایس
 این بی و بسیاری شکر و کرامت و خدمت و در خوار و
 بزرگ میرفتیم و امر کرده ام که
 بوده از جمع احوال و افضال و در خوار که امر کرده ام که
 شکر و حمد را در راه نظر و خدمت و افضال و احوال
 بر حال جامع علوم انسانی
 بجزئی غایت چون بود و افاضت و افضال و احوال
 جماعت و کتبت و حکوم و کسانان و افاضت و احوال
 گوینده نوعی کار که بخواهد بود
 در خوار و افاضت و احوال

نامه شاه صفی به شارل اول پادشاه انگلیس

نظاماً للسلطنه والشوکتہ والایالہ والحشمہ والعظمہ والعزوالامتنان
چارلیس پادشاه انگلیس، مکتوب مرغوب صداقت اسلوب حضرت والامنزلت
سلطنت وایالت پناه شوکت و عظمت و جلالت دستگاہ حشمت و ابهت انتباه
پادشاه عالیجاه و آفتاب کلاه اعظم سلاطین شجاعت آئین فرنگیه، اکرم والیان
عالیشان صاحب تمکین مسیحیه، شایسته سریر دولت و سروری، رفعت بخش بارگاہ
عدالت و داد گستری زبده والیان عزت و نوامیس. جعل عواقبه خیراً که درینولا
مرقوم قلم مخالفت رقم کرده انیده بدینجانب ارسال داشته بودند در بهترین
زمانی وارد گشته مضامین صداقت آئینش که مبنی از کمال موافقت و دوستی و
نهایت محبت و یکدلای بود بر ضمیر منیر اشرف، پر تو ظهور انداخته موجب ازدیاد
مواد مودت و اتحاد افزونی مراتب خلت و داد گردید و همواره توجه خاطر مهر
تائیر بآن متعلق و مصروفست که بمراتب زیاده از زمان سابق در میانه طریقی
محبت و دوستی مرعی و مسلوک بوده باشد. سفارشی که در باب عزت مآب
زیدة الاعیان کیس کپتان ویلیم کیس نموده بودید شفقت شاهانه همواره
شامل حال او بوده و هست و مقرر فرمودیم کسه هر گونه کاری و مهمی
کسه درینصوب داشته باشد و بو کلاه دیوان اعلی اظهار نماید بلا تأخیر

حسب الامر سرانجام نمایند و در مراعات جانب منسوبان آن سلطنت و شوکت قباب خصوصاً کپتان وایم مذکور و رفقا و مردم ایشان که بدین دیار آمد و رفت مینمایند بهیچوجه من الوجوه تقصیری نمیشود و وظیفه خصلت و دوستی آنست که از آنجانب نیز پیوسته این شیوه ستوده مسلوک بود ریاض الفت و آشنائی را با ارسال رسل و رسایل تسازگی بخشید و هرگونه کاری و مهمی در اینصوب داشته باشند بی حجاب از روی موافقت و اتحاد آنها و اعلام نمایند که توجه و اشفاق دوستانه و اعطاف خسروانه بحصول آن محصول گردد ثانیاً انهای رأی صداقت اقتضا میگرداند که در سرکار خاصه شریفه از ارباب صناعت و استادکاران ماهر در هر فن جمعی هستند و درین اوقات چند نفر استاد صاحب وقوف که یک نفر میناکار و یک نفر وقت و ساعت ساز و یک نفر الماس تراش و یک نفر زر گرا علی و یک نفر تفنگ ساز و یک نفر نقاش بالادست و یک نفر توپچی آتشبار بوده باشد در سرکار حاضر شریفه ضرور شده و در ولایت ایشان هستند طریقه محبت و یگانگی آنکه بوکلاء عالی امر نمایند که استادان مذکور را با شاگردان و مصالح افزار و انکاز مصحوب کسان معتمد خود ارسال گردانند که در سرکار خاصه شریفه همایون بخدمت مذکور قیام نمایند و در وقت شروع کار بجهت عمله و افزار و انکاز که موقوف علیه کار ایشان است حالت منتظره نبوده باشد که هر آینه موجب ازدیاد و مواد دوستی خواهد بود و چون غرض تشیید مبانى محبت و ووداد و تمهید قواعد الفت و اتحاد بود زیاده اطناب رفت ایام دولت و کامکاری بروفق رضای حضرت عزاسمه بوده عاقبت احوال خیر قآل بتوقعات نامتناهی بخیر و خوبی باد.



نامه شاه صفی به چارلس اول پادشاه انگلیس

نامه شاه عباس اول به پادشاه هلند

حواله سبحانه

رب العالمین عزشانه

لظاماً للسلطنه والاشوکه والنصفه والعظمه والابهته والاقبال پادشاه الندیس بموقف و محفل متعالی حضرت والارنبت رفیع منزلت سلطنت و شرکت ایاب عظمت و جلالت انتساب مملکت پناه نصفت و معدلت دستگاہ عالیجاو محبت و مودت شعار نیکو اطوار سلاله سلاطین کامکار نقاره پادشاهان عالی تبار اعظم ولایه شرکت آئین مسیحیه عدل خوانین صاحب تمکین فرنگیه پادشاه ذر جا عظمت دستگاہ آفتاب کلاه فرمان فرمای ممالک فسیح المسالك انواع مؤالفت و دوستی و داد و کمال محبت و مصادقت واتحاد اظهار و ایثار نموده همواره خاطر مبرگزین بدان متعلق و مصروف است که احوال خیر مال آنحضرت بروفق رضا و خشنودی حضرت بخیر و خوبی قرون بوده پیوسته دوستکام بوده باشند بدهدا مرفوع رأی محبت اقتضا میگرداند که چون میان ما و حضرات سلاطین عظام عیسویه و پادشاهان رفیع مقام فرنگیه رابطه دوستی و و داد و ضابطه مصادقت واتحاد مرعی و ابواب آمدش و و رسل و رسایل مفتوح است همیشه مترصد آن

بودیم که از جانب آنحضرت نیز اینقاعدہ معرفی بوده آثار یگانگی و اتحاد بظهور آید درینمدت بر حسب تقدیر ایزدی اینصورت وقوع نیافت و کسی از جانب عالی بدین دیار نیامد درین اوقات که رافع مکتوب محبت اسلوب آمده بملازمت اشرف رسید و از حقایق حالات ایشان اطلاع حاصل شد موجب انواع مسرت و شادکامی و انبساط خاطر مهر آگین گردید و فرستاده آن سلطنت و عظمت پناه نیز از ارضاع و اطوار این دیار استحضار یافته مراجعت نمود و وظیفه محبت و دوستی آنست که بعد از این برخلاف سابق این دستور مرضیه را منظور داشته ابواب الفت و آشنائی مفتوح دارند و قواعد مصادقت و دوستی را بتواتیر مکاتیب مودت آمیز و مراسلات الفت انگیز و استحکام داده اصلاحات جویند و بیگانگی نفرمایند و ملازمان عالی و مردم مملکت خود را مقرر دارند که بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمده بهر طریق خواهند خرید و فروخت و دادوستد نمایند و بهر نوع رضا و اراده داشته باشند سلوک کنند که احدی را در قلمرو همایون قدرت بر ممانعت ایشان نخواهد بود و از امتعه و اجناس این دیار آنچه مردم ایشان خواهند و اداره نمایند اول ایشان خرید و فروخت نموده بيقضاء آلهی مقضی المرام و آسوده حال مراجعت کنند و نوعی فرمایند که روز بروز فیما بین، قواعد محبت و آشنائی مستحکم گشته و شیوه مصادقت و دوستی و ازدیاد پذیرد و همیشه کماهی احوال خیر مآل و موجبات اسباب دولت و دوستکامی خود را که هر آینه موجب مسرت و شادمانی احبا و دوستان است در طی مکاتیب محبت طراز مرقوم قلم مشکین رقم گردانند و هر گونه کاری و مهمی در این دیار داشته باشند از روی یگانگی اعلام نمایند که حسب المرام به حصول پیوند و چون غرض اظهار محبت و دوستی بود زیاده اطناب نرفت. عواقب امور بر حسب رضا و رحمانی بخیر و خوبی مقرون و اسباب دولت و کامرانی بساقتضاء قضا و تقدیر سبحانی مهتدو منظم باد.

هو اسما حیات

رب العالمین



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً والعبادة عملاً
والعبادة عملاً والعبادة عملاً

برتقد علی محمد صالح خضر والادب فربین سلفه وشرک الایب عظم وصال انما تمکین بقصد دومین اسما حیات
محمد بن عبدالله

بر وقت عالی جناب عالی حضرت والد بزرگوار حضرت امیر کبیر علی گڑھی صاحب

یکو اطلاع رساله لاطیفه کما نفاذ و ایشان بن نام

اشک کلا فرغانی میکانیک لاساک

بر آن سنی مذهب است که احوال خیر اول حضرت بزرگوار

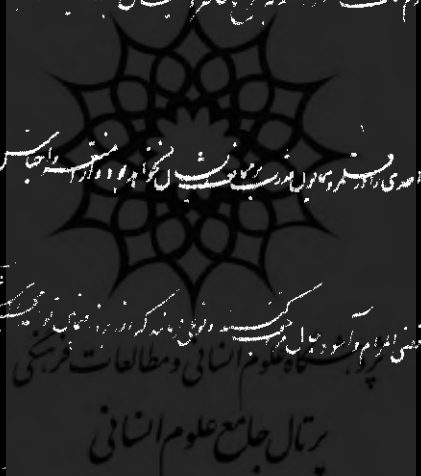
موضع رای مذهب میگرداند که چون مذهب لاطیفه کما نفاذ و ایشان بن نام

در سن و ماه و روز و شب هر چه که از آنست که در این کتاب مذکور است

لکمی از آنست که در این کتاب مذکور است



کتابی نوشته است بر این مباحث که در این کتاب است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است



کتابی که در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است
و این کتاب در این مباحث است و این کتاب در این مباحث است

نامه شاه صفی به پادشاه هلند

هواله سبحانه و تعالی

استندال جندرال جناب عزتمآب ایالت و جلالت نصاب حکومت و شوکت
قباب عمده الحکام الکرام عیسویه قدوة العظمای والولة الفرنگیه ناظم امور دولت
الندیسی کافل مهام ملت مسیحی خلاصه نامداران فرنگ صایب رأی باهوش
و فرهنگ مرزبان اعظم اکرم فرمانده حدم و حشم عالیمنزلت عدالت انتما
رفیعمرتبت ملک آرا را بعد از ادای مراسم تعظیمات و انهای مراتب تکریمات
واظهار قواعد اتحاد و دوستی مرفوع رأی صوانما میگرداند که درین اوقات
خجسته ساعات که سعادت و عزتمآب زبده الاعیان جان اسمید ایلچی ایشان
همراه موسی بیگ ایلچی اینجناب با اینصوب آمده بسعادت بساطبوسی سرافراز
شد و مکتوب میمنت اسلوب حضرت سلطنت و عظمت پناه پادشاه و الاجاه
خورشید کلاه ولایت الندیسی و مکاتیب و مراسلات دوستانه آنجناب ایالت و
شوکت قباب و سرداران واعیان الندیسی که بخدمت نواب کیتی ستان فردوس
مکانی بابای بزرگوارم نوراله مرقده نوشته بودند بنظر همایون مادر آمده
مضامین اخلاص آئین صداقت تزئین آن و اظهار مسرت و شادمانی که از
فرستادن موسی بیگ ایلچی و تعظیم و تکریم سوداگران الندیسی در نامهای
نامی درج نموده بودند لواحسنی خاطر نشان نواب همایون باشد و سعادتتمآب

جان اسمیت ایلچی که مرد سخندانست و ایلچی مانیز حقایق حالات و محبت و دوستی ایشانرا با این دودمان سلطنت آشیان بحسن تقریر ادا نمودند و باعث ازدیاد مواد محبت و دوستی بیش از پیش گردید و ما نیز از آمدن ایلچی ایشان و اظهار دوستی که نموده اند بسیار بسیار خوشحال شدیم و نسبت بمشاریه آنچه لوازم حرمت و عزت و تعظیم و تکریم بود مبذول گشت چون از قضا واقعه هائله نواب فردوس مکانی بابای بزرگوارم وقوع یافته ازین جهان فانی بسرای جاودانی رحلت فرمودند و اکنون سریر سلطنت و پادشاهی عرصه ایران که تختگاه پادشاهان رفیع الشان اکاسره و کیان است حسب الادب بذات اشرف همایون مامزین است پیش نهاد نهمت والا آنست که ما احیاء دوستان زیاده از زمان نواب فردوس مکان شاه بابام طریقه الفت و وداد و دوستی مرعی داریم و با کافه عباداله هر طبقه هر طایفه بوده باشند بنوعی سلوک فرمائیم که پسندیده در گاه باشد و با عموم عیسویان بتخصیص تاغایت هر کس بدینصوب آمده و میآید حکام کسرام و منسوبان در گاه حسب فرمان همایون بنوعی در ترفیه حال ایشان کوشیده و میکوشند که همگی راضی و خشنود آمد و شد مینمایند و انشاء اله تعالی بعدالایوم نیز با حضرت پادشاه و الاجاه فرمانفرمای الندیس و منسوبان ایشان زیاده از زمان نواب جنت آرامگاه شاه بابام طریقه خصوصیت و دوستی مرعی میداریم و در رفاهیت احوال سوداگران ایشان کمال توجه فرموده نوعی نخواهد شد که یکسر مو آسیب از هیچ رهگذر بایشان رسد خاطر از آن ممر جمع دارند طریق محبت آنکه ایشان نیز همواره این شیوه مرعی داشته در لوازم دوستی تقصیر نمایند و در امنیت راه و دفع و رفع قاطعان طریق بنادر آنچه مقدور باشد سعی نموده چنان نمایند که مترددین آنصوب با کشتیها و سفاین مملو از اسباب بیخوف و خطر در قلمرو همایون آمد و شد مینموده باشند و همیشه ابواب مراسلات مفتوح داشته هر گونه کاری درینولات داشته باشند از روی یگانگی اعلام نمایند که بحصول موصول گردد. چون غرض اظهار مراتب دوستی بود زیاده نرفت. عاقبت امور جمهور ایشان موافق رضاء حضرت قادر ذوالجلال جل جلاله بخیر و خوبی مقرون باد.

نامه شاه سلیمان پادشاه اسپانیا

جلالاً للسلطنه والابدوالحشمته والبساله والشوکتہ والنہامہ والعزوالامتنان
کارلوس پادشاه عالیحضرت سامی رقت سلطنت و جلال پناه شوکت و ابہت
دستگاہ بسالت ونصفت انتباء حشمت وشہامت اکتناہ متمکن مسند حکمرانی
متکی وسادہ فرمانروائی عمدہ سلاطین صاحب نگین مسیحیہ زیدۃ خواقین
باعز و تمکین عیسویہ فرازندۃ افسر نامداری برازندۃ تخت کامکاری پادشاه والاجاہ
بلندبار گاہ را بعد از تبلیغ لوازم مصادقت ووداد قدیمی وتمہید مراسم مؤالفت
واتحاد موروثی مکشوف رأی ملک آراء میگردانند کہ نامۃ مودت ختامہ کہ
درینوقت مشتمل تاسیس مبانی دوستی قدیم ارسال داشته بودند در وقتی کہ
ابواب کامرانی برجہرۃ آمال وامانی باز بود وارد گردید وموجب تشیید مبانی
دوستی وولا گردید . شرحی کہ درباب شراکت عشور ہرموز و کسر رسد
سنوات متعلقہ بسر کار آن سلطنت وجلالت پناہ نوشتہ شدہ بودہ درمرآت اطلاع
صورت انطباع ووحصول یافت برضمیر منیر صداقت تخمیر مخفی وستیر نخواہد
بود کہ معتمدان وکارکنان سنوات قبل از جلوس میمنت مانوس بر اورنگ سلطنت
ومسند عدالت وجلالت ہر سالہ از طرفین قطع وفصل امر مزبور نمودہ اند واز
تاریخی کہ وسادۃ فرمانروائی از فرجلوس نواب ہمایون مازیب وزینت یافتہ

با آنکه در فرمان واجب الادعان نواب گیتیستان فردوس مکان جد بزرگوارم شاه عباس ماضی اعلیٰ فی الخلد مقامه در طی شروطی که فرموده اند قید است که پیوسته ایلچی بزرگ یا کوچک از طرف قرین اشرف در دربار والا بوده باشد و نبوده این معنی را منظور نظر کیمیا اثر نداشته، آنچه لازم رعایت دوستی و یکجهمتی بوده بعمل آمده درینوقت نیز رقم اشرف، که رسد مقرر ایشانرا بلا تصور واصل سازند مشتمل بر تأکید صادر گردید و با آنکه مقرر است که کپیتان و وکلاء ماسرکار عالی اموال سایر تجار را داخل اموال خود نمایند و هر ساله جماعت مزبوره اموال جمعی کثیر از تجار را در آمدن و رفتن داخل اموال خود نموده گذرانیده و ازین رهگذر مبلغهای کلی انتفاع یافته اند بنا بر رعایت یکتا دلی در این باب نیز مضایقه و از اجناس ایشان نیز راهداری که مبلغهای کلی میشود باز یافت نشده و اگر وکلاء آن جناب بنا بر مطالب و اغراض خود و بعلمت مناقشه که ضابطان در باب اینکه اموال تجار را داخل اموال خود مینمایند نموده اند بمسامع جلال رسانیده باشند که ضابطان حال بنادر زیاده از آنچه بوکلاء عالی واصل ساخته اند جهت سرکار خاصه شریفه ضبط نموده اند جهت زیادتی و اختلاف اینست که وجوه عشور و سایر وجوهات کل بنادر عباسی و کنگ و نخیلو و عسلو و ریشهر و خارک و سایر بنادر فارسی که هر یک در سنوات، ضابط علیحده داشته اند الحال بضبط ضابط مزبور مقرر است و شرکت وکلاء آن سرکار عالی مقدر [د] ر بندر عباس و توابع آنست نه در سایر بنادر و طیارات و کپرو مالو جهات و عملات و خروج نیز ایشانرا شرکتی نیست نه آنکه در رسد سرکار والا حیف و میلی شده باشد و اگر حیف و میلی شده باشد وکلاء سر [ک] را عالی نموده خواهند بود. پیوسته فاتح ابواب یگانگی و یکجهمتی بوده بموجب شروط مقرر مقرر دارند که ایلچی بزرگ یا کوچک آمده در درگاه فلک پیشگاه باشد و مکنونات خاطر و مرغوبات ضمیر را بموقف ابلاغ و اعلام رسانند که کار کنان دولت الا بانجام آن مأمور گردند



Main body of handwritten text in Persian or Urdu script, with a large central decorative watermark or seal.

نامه شاه سلیمان صفوی به پادشاه روسیه

جلال السلطنه والابهة والحشمة واليساله والشوكته والشهامه والعزوالامتنان
پادشاه كل الموس

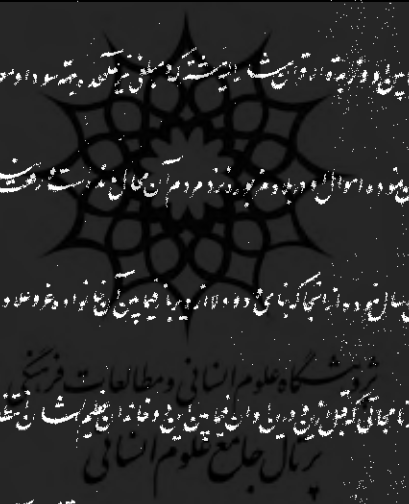
شرايف صنوف تجبيل ولطاييف فنون تكريم كه مذكر قواعد وادقديم ومشيد
قوانين اتحاد قويم تواند بود و بحضور بهجت نشان عالي حضرت سامی رتبت
سلطنت، جلالت پناه شوكت و ابهت دستگاه بسالت و نصفت انتباه حشمت وشهامت
اكتناه متمكن مسند حكمرانی متكي وساده فرمانروائی عمده سلاطين صاحب-
نكین عيسويه زبده خواقين با عز و تمكين مسيه چيه فرازنده افسر نامداری
برازنده تخت كامکاری پادشاه والاجاء بلند بار گاه ، ابلاغ واهدا داشته همگي
همت بلند باعتلاء مدارج اقبال آن مكين مسند عز وجلال مصروف و معطوف است
بعدها مكشوف رأي مولات اقتضا میدارد كه درين ايام فرخنده فرجام رفعت پناه
زبده الاشياء خواجه قوكاس كلانتر ارامنه جولاه دار السلطنه اصفهان بعرض
باريافتگان سردق جاء وجلال رسانيد كه قبل از اين فانوس برادر او كه اصل اموال
مومی اليه فيما بين او و زبده الاقران مشاراليه مشترك و مبلغی نیز عليه حده
جهت سود او معامله از كلانتر مذکور گرفته بود در ممالك آن صاحب اقبال

بامر تجارت اشتغال داشته و بدرود جهان گذران نموده اموال او در بلده مر نوره نزد مردم آن محال مانده است و رفعت پناه مومی الیه درین وقت باغم و بیدروس را بوکالت خویش تعیین و جهت تحصیل اموال مزبوره ببلاد آن صداقت آئین ارسال نموده، از آنجا که بنای و دوا و ولا از دیر باز فیما بین آن خانوادہ عز و علا و این دوده ستوده عظمت و اعتلا پا برجاست شایسته طریق و داد قویم قدیم چنان مینماید که و کلاء آن سرکار. مضمون عهد نامجاتی که قبل ازین و درین اوان فیما بین این دو خاندان عظیم الشأن انتظام پذیر سلمک تحریر گشته، مفاد آن الی الان در مالک فسیح المسالك نوا. همایون ما متداول است مأمور کردند که اموال و مخلفات فاموس مشارالیه را از نقد و جنس بموجب دفتر و تفصیل آن و نوشتجات او هر گاه تا حال نزد اودیک و آقا پیری ولدان فانوس مومی الیه فرستاده نشده باشد در هر جا و نزد هر کس که باشد گرفته بهر یک از باغم و بیدروس مذکور ان که وارد ان حدود شده باشد و وکیل برادر زادگان مذکور آن کلانتر مستودهند و قبض باز یافت و ایشان را از هر راه که خواهند روانه این جانب و دفتر و نوشتجات مذکوره را بایشان نداده مهر و باقبض مزبور مصحوب معتمدی نزد کپتان آن عالی مکان که در دارالسلطنه اصفهان میباشد ارسال نمایند که درینصورت تسایم و موافق قوانین شرع مبین از قرار نوشتجات مزبوره فیما بین ایشان تقسیم شود و پیوسته باعلان مکنونات خاطر والا و اظهار مرغوبات ضمیر دوستی آنها سلسله جنبان محبت و ولامی بوده باشند.

شکرش در دستش است این که در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
براست نیست است این که در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
تتمه کلامی پادشاه و لسان و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
بیدار که این نام فرزندش است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است



بطل نیویق نوری بود و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
تجارت عالی شده بود و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
بیتسین سال اول بود و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است



کتابخانه علمیه اسلامی در مطابعت فرستاده
کتابخانه علمیه اسلامی در مطابعت فرستاده
کتابخانه علمیه اسلامی در مطابعت فرستاده

پنجشنبه ماه در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
دست چو این است اول است که در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
فانین می سرسازد و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
ایت را در برادر که در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است
تقدیر با او پیش چو این است که در دستش نشسته است و در دستش نشسته است و در دستش نشسته است



پروفیسر شہزادہ گلشن گلشنی

پرتال جامع علوم انسانی

۱۵
 در همه ملکین و بلاد
 خانان و کاروانتین و سراسر
 امیدوار است
 ۱۵ ص ۱۵

۱۳
 با تمام آنکه امیدوار است
 ۱۳ ص ۱۳

۱۱
 دو روزم آنکه با تمام
 تجلی بتی می آید
 به لطف
 ۱۱ ص ۱۱



عمومت
 و بجا
 برون
 امیدوار است



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انسانیت



Handwritten text at the top of the page, likely a header or address, written in a cursive script.

Main body of handwritten text in a cursive script, containing several lines of prose. A large, dark rectangular redaction covers a significant portion of the middle of the page.

... your pleasure ...
... the danger ...
... doubt not ...
... estate ...
... comfort ...
... despise ...
... your royall ...
... your proud ...
... the name ...
... parts ...
... many ...
... glory ...
... admiration ...
... your ...
... an eye ...
... heart ...
... glory ...
... being ...
... one of the ...
... the ...
... the ...
... the ...

